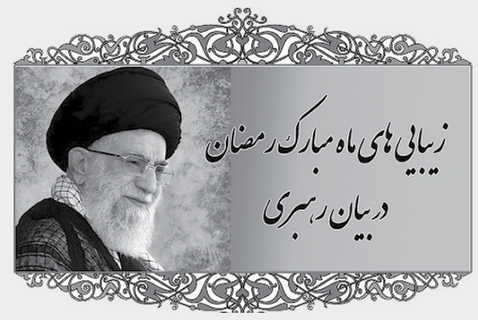

۲ سفارش کلیدی امیرمومنان (ع) به همه نسل‌ها

ماه رمضان، ماه ذخیره‌سازی تقواست. از خدای متعال کمک بخواهیم تا بتوانیم در این ماه برای دوره سال و برای همه عمر خود، ذخیره ارزشمندِ تقوا را فراهم کنیم.

جمله‌ای را از امیرالمؤمنین(ع)مطرح می‌کنم که به وصیّت آن بزرگوار به اولاد و بازماندگانشان مربوط است و آن‌گونه که خود ایشان ـ بنا به نقل نهج‌البلاغه ـ در آن نوشته مرقوم کرده‌اند، مخاطب این وصیّت، همه کسانی هستند که این نامه و این وصیّت به آنها می‌رسد؛ یعنی ما هم مخاطب کلمات امیرالمؤمنین(ع) هستیم. این همان وصیّت معروف است که بعد از یکی دو سطر می‌فرمایند: اوصیکما و جمیع ولدی و اهلی و من بلغه کتابی بتقوی الله و نظم امرکم و صلاح ذات بینکم(جامع الاحادیث الشیعه (بروجردی)، ج ۳۲، ص ۰۹۸). تقریباً بیست مطلب در این وصیّت ذکر شده است. بدیهی است وصیّت یک انسان بزرگ، آن هم وقتی که در آخرین ساعات عمر او این وصیّت نوشته می‌شود، شامل حسّاسترین مطالب به نظر اوست. امیرالمؤمنین(ع) این وصیّت را بعد از ضربت ابن‌ملجم نوشته‌اند؛ لمّا ضربه ابن ملجم(همان). تقریباً بیست مطلبی که در این وصیّت آمده، مهم است. مطالب، درباره دنیاطلبی، قرآن، حج، جهاد، یتیمان،همسایگان و... است. دو مطلب از تقریباً بیست مطلب را انتخاب کرده‌ام تا عرض کنم: یکی «نظم امرکم» و دوم «صلاح ذات بینکم»؛ یعنی ایجاد الفت میان برادران. از اینجا می‌شود فهمید که این دو مطلب جزو مطالب بسیار مهم در نظر امیرالمؤمنین (ع)است.

۱. نظم همراه و هماهنگ با تقوا

نظم از جمله موضوعاتی است که وقتی انسان در معنا و مفهوم و کارکرد آن در زندگی خود غور می‌کند، اهمیت آن را بیشتر درک می‌کند. نظم یعنی هر چیزی در جای خود قرار گیرد. جهان که در پیرامون ما انسانها و در زمین و آسمان گسترده شده است، یک مجموعه قانونمند است. قانون و نظم، بر جمیع جریانات و حوادث عالم و حرکات دنیای مورد احساس و دید و جهان پیرامون ما حاکم است. انسان هم یکی از اجزای همین عالمِ برخوردار از نظم است. زندگی طبیعی انسان هم دارای نظم است. گردشِ خون، ضربان قلب، دمیدن ریه‌ها و بقیه تحرّکات و فعل و انفعالاتی که در بدن انسان و جسم آدمی وجود دارد، همه تابع نظم است. اگر عمل و رفتار انسان از نظم برخوردار باشد، هماهنگی میان او و دنیای پیرامونش تأمین خواهد شد. نظم به انسان این فرصت را می‌دهد تا بتواند از هر چیزی به نحو شایسته آن استفاده کند و چیزی معطّل نماند. اگر در جسم انسان بی‌نظمی پدید آید، با بیماری همراه است، یا نامش بیماری است. عیناً همین مطلب در رفتارهای انسان ـ چه در زندگی فردی و چه در رفتارهای اجتماعی ـ وجود دارد؛ بنابراین نظم دارای اهمیت است.

البتّه قلمرو نظم، وسیع است. از زندگی خصوصی انسان و درون اتاقی که در آن زندگی یا کار می‌کند، نظم مطرح می‌شود ـ اتاق منظّم، اتاق نامنظّم ـ تا رفتارهای فردی او در محیط کار و درس و تحصیل و تا محیط اجتماعی و ساخت جامعه و بنای نظام اجتماعی؛ یعنی همان ساختی که از نظم ویژه‌ای که تابع فلسفه خاصّی است، سرچشمه گرفته است. همه اینها مشمول «و نظم امرکم» است که امیرالمؤمنین(ع)در این قطعه از وصیّتشان آن را بیان فرمودند.

آن حضرت قبل از آنکه نظم را مطرح کنند، تقوا را مطرح کرده‌اند. اوّلِ وصیّت هم تقوا آمده است ـ اوصیکما بتقوی‌الله و ان لا تبغیا الدّنیا و إن بغتکما(روضة‌الواعظین (ط القدیمه)، ج ۱، ص ۱۳۶) ـ ولی بعد از دو سطر، باز می‌فرمایند: اوصیکما و جمیع ولدی و اهلی و من بلغه کتابی بتقوی‌الله و نظم امرکم (جامع الاحادیث الشیعه (بروجردی)، ج ۳۲، ص ۰۹۸)؛ اینجا تقوا را مجدّداً تکرار می‌کنند. این شاید اشاره به این نکته باشد که نظمی در زندگی فردی و نظام زندگی عمومی و اجتماعی انسان مطلوب است که از تقوا سرچشمه گیرد و با تقوا همراه و هماهنگ باشد. پس، این یک وصیّت کلّی است برای همه ما که در زندگی شخصی و خانوادگی و در کارهای تحصیلی و اداری و در مشاغلی که در جامعه داریم، نظم و برنامه‌ریزی را مراعات کنیم. اینها نظم‌های عمدتاً فردی است؛ امّا در سطح جامعه هم باید نظم را مراعات کنیم. هر کس در هر جایی قرار دارد، خود را موظّف بداند که نظم اجتماعی را رعایت کند. این یک ادب عمومی برای ما در سطح جامعه است؛ همه هم در این جهت شریک هستند.

ضرورت رعایت نظم و هماهنگی میان شعارها و عملکردها

رعایت قوانین و رعایت برادری و مروّت و زیاده‌خواهی نکردن و تجاوز به حقوق دیگران نکردن و رعایت وقت را کردن ـ چه وقت خود، چه وقت دیگران ـ رعایت مقرّرات در عبور و مرور و رفت و آمد و مسائل مالی و تجاری و امثال اینها، همه مصادیق نظم است. یک مصداق مهمِ نظم هم این است که میان کارکرد ما در جامعه و افکار و عقاید و شعارهای ما هماهنگی برقرار باشد. از بی‌نظمی‌های بسیار خطرناک یکی همین است که در جامعه‌ای مبانی فکری و عقیدتی و باورهایی که جامعه به آن ایمان و اعتقاد دارد، یک چیز باشد؛ امّا رفتارهایی که براساس همین قواعد و باورها باید شکل بگیرد و هنجار عمومی اجتماعی را تشکیل دهد، با آن باورها و فکرها و مبانی منطبق نباشد. این نوعی دورنگی و دورویی و نفاق عمومی را به وجود می‌آورد و بسیار خطرناک است.

اسم اسلام را آوردن و تکرار کردن، امّا در عمل هیچ به مبانی اسلامی باور نداشتن؛ اسم حقوق بشر را به عنوان مبنا و قاعده فکری مطرح کردن، امّا در عمل هیچ رعایت حقوق بشر را نکردن ـ که امروز در سطح بین‌المللی متأسّفانه یکی از بلاهای بزرگ جامعه بشری این است ـ اسم آزادیخواهی را آوردن، امّا در عمل رعایت آزادی دیگران را نکردن؛ اسم قانون و قانون‌طلبی را آوردن، امّا در عمل پایبند به قانون نبودن، از جمله خصوصیّات بسیار بد و یکی از مصداق‌های بارز و خطرناک بی‌نظمی است. البتّه مسئولان که می‌خواهند مقرّرات و قوانین را به وجود آورند یا اجرا نمایند، باید بیشتر رعایت کنند؛ آحاد مردم هم در رعایت‌های عمومی خودشان باید به این موضوع توجّه کنند.

۲. نزدیک کردن دلها به هم، خوشبین کردن ذهن‌ها به هم

مطلب دوم، «صلاح ذات بینکم» است. صلاح ذات البین که امیرالمؤمنین(ع) در وصیّت مهم خود آن را بیان می‌کنند، فقط ائتلاف و اتّحاد ظاهری نیست که دو گروه و دو جماعت بر سر یک چیز، قراردادی ببندند و ائتلاف ظاهری تشکیل دهند؛ از این بالاتر است؛ یعنی فی‌مابین همدیگر، دلها با هم صاف شود؛ ذهنها نسبت به یکدیگر خوشبین شود و هیچ‌گونه تعرّض و ایذایی از کسی و از جناحی به یک مجموعه دیگر صورت نگیرد.

در همین جمله، بعد از اینکه می‌فرمایند: و صلاح ذات بینکم، به سخن پیغمبر اکرم استشهاد می‌کنند و می‌فرمایند: فانّی سمعت جدّکما (صلّی‌الله‌علیه‌وآله) یقول صلاح ذات البین افضل من عامّة الصّلاة و الصّیام (نهج‌البلاغه (صبحی صالح)، ص ۱۲۴)؛ یعنی فضیلت اصلاح ذات‌البین مردم ـ دلها را به هم نزدیک کردن و ذهنها را نسبت به‌هم خوشبین نمودن ـ از هر نماز و روزه‌ای بیشتر است. اگر کسی نماز مستحبّی بخواند یا روزه مستحبّی بگیرد، یا برود برای اصلاح ذات‌البین تلاش کند؛ دومی افضل است. این هم از چیزهایی است که ما امروز به آن خیلی احتیاج داریم.

بیانات در خطبه‌های نمازجمعه تهران ـ ۱۳۸۱/۹/۱

حضرت امام خمینی(ره) با وجود مسئولیت‌ها و وظایف سنگین رهبری حکومت اسلامی، توجه ویژه‌ای نیز به انجام آداب شرعی و مستحبی داشتند. از جمله در ماه مبارک رمضان که بخش زیادی از اوقاتشان را به خواندن نماز و قرائت قرآن می‌گذراندند. علاوه بر این ایشان می‌کوشیدند که تا حد امکان در این ماه با ساده‌زیستی و قناعت مفهوم واقعی روزه‌داری و امساک را رعایت کنند. آنچه در پی می‌آید حکایت‌هایی از نحوه رفتار امام در این ماه پرعظمت است تا چراغی فراروی مریدان و شیفتگان آن حضرت باشد.

امام خمینی و ماه مبارک رمضان

سرّ این معنا که امام ملاقات‌های خودشان را در ماه مبارک رمضان تعطیل می‌کردند این بود که بیشتر به دعا و قرآن و خلاصه به خودشان برسند. امام می‌فرمودند: «خود ماه رمضان کاری است».

برخی از اوقات که امام در گرفتن روزه شبهه داشتند که ممکن است به ایشان ضرری داشته باشد مسافرت می‌کردند- با این کار حرمت ماه رمضان را نگه می‌داشتند- و روزه را در وقتی می‌گرفتند که برایشان ضرری نداشته باشد.

کسی را بیدار نمی‌کردند

غیر از شب‌های ماه رمضان که قرار نبود کسی دیگر روزه بگیرد، ایشان هیچ‌کس را بیدار نمی‌کردند. خودشان سماور را روشن می‌کردند و چای درست می کردند و معمولاً یک تخم‌مرغ، سحری ایشان بود. (مصطفوی، زهرا؛ پابه پای آفتاب (چاپ جدید)؛ ج ۱، ص ۱۸۲ و ۱۸۳).

آقای حاج شیخ غذایشان را جدا کنند

مشهدی حسین که یکی از خدمتگزاران امام در نجف بود نقل می‌کرد که در ماه رمضان غذای در بیرونی امام بودند و غذا همان غذای گذشته بود و فرقی نکرده بود. روزی آقای حاج شیخ عبدالعلی قرهی به من گفت: «این همه آدم که در بیرونی هستند افطار و سحری می خواهند و این مقدار گوشت که شما تهیه می‌کنید خیلی کم است، بیشتر بگیرید.» من هم بنا به گفته او آن روز بیشتر گوشت گرفتم. هرشب می‌بایست خدمت امام می‌رسیدم و صورتحساب را ارائه می‌دادم. آن شب آقا با تعجب پرسیدند:

«چطور شد که گوشت بیشتر از گذشته گرفتی؟» گفتم: «آقای شیخ دستور دادند.» امام با احترامی که نسبت به ایشان داشتند، فرمودند: «همان تعداد که همیشه می‌گرفتی بگیر، آقای حاج شیخ هم اگر می‌خواهند، غذایشان را جدا کنند»! (آیت‌الله یزدی- سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی- ج ۲، ص ۱۴۶ و ۱۴۷).

آرامش روحی در بمباران تهران

در اوایل خردادماه ۶۴ که مصادف با ماه مبارک رمضان بود، هواپیماهای عراقی در طول شبانه روز، وقت و بی‌وقت تهران را بمباران می کردند. همراه آنها، توپ‌های ضدهوایی با صداهای مهیب و گوشخراش به‌ویژه در دامنه کوه‌های شمال تهران که صدا می‌پیچید خواب و استراحت را از همه گرفته بودند. صبح که می‌شد همه در اثر بی‌خوابی شبانه، خواب‌آلوده و کسل بودند و نظم و نسق کارها به هم ریخته بود. با اینکه امام ملزم به تبعیت از کسی نبودند و اختیار داشتند کارشان را به‌طور دلخواه و مناسب حالشان تنظیم کنند، با این حال در شرایطی که همه مایل بودند ساعت‌های اول روز را که بیشتر آرام بود بخوابند، امام طبق روال همیشگی هر روز رأس ساعت هشت صبح سرحال در اتاق کار و ملاقاتشان حاضر می‌شدند.

یک روز آقای دکتر عارفی که همواره مراقب وضع و سلامتی امام بود ،بعد از معاینه سؤال کرد: «در ماه رمضان، این روزها، وضع خواب و استراحتتان فرقی نکرده، کم نشده؟» فرمودند: «نه» دکتر مجدداً سؤال کرد: «هیچ فرقی نکرده است؟» امام باز تأکید کردند: «نه.» (حجت‌الاسلام والمسلمین رحیمیان، پا به پای آفتاب (جدید)، ج ۲، ص ۲۵۱).

معمولاً با نان و پنیر سر می‌کردند

امام تمام سال‌هایی را که در نجف بودند تا آخر اقامتشان روزه می‌گرفتند و غذای افطاری‌شان بسیار ساده بود. خدا شاهد است بنا به توصیه دکتر برای ایشان کباب برگ درست می کردند و آقا بخش جزیی از آن را به اصرار ما می‌خوردند. ایشان معمولاً با نان و پنیر سر می‌کردند.(حجت‌الاسلام والمسلمین فرقانی، آیینه حسن، ص ۱۵۲).

اگر شبهه داشتند مسافرت می‌کردند

برخی از اوقات که امام در گرفتن روزه شبهه داشتند که ممکن است به ایشان ضرری داشته باشد مسافرت می‌کردند- با این کار حرمت ماه رمضان را نگه می‌داشتند- و روزه را در وقتی می‌گرفتند که برایشان ضرری نداشته باشد. (برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج۱، ص ۳۷۷)

به درسشان خیلی مقیّد بودند

خانم مصطفوی: مادرجان، شنیدم عروسی شما در ماه مبارک رمضان بود، در حالی که رسم نیست در ماه رمضان ازدواج کنند. چرا؟

همسر امام: چون درس‌ها تعطیل بود.

خانم مصطفوی: یعنی حضرت امام تا این حد به درس مقید بودند که حتی برای ازدواجشان حاضر به تعطیل کردن درس نبودند؟

همسر امام: بله آقا به درسشان مقید بودند. می‌گفتند چون درس‌ها تعطیل است. (وقت برای ازدواج مناسب است). (فصلنامه ندا- ش ۱۲، ص ۱۷).

خود ماه رمضان کاری است

سرّ این معنا که امام ملاقات‌های خودشان را در ماه مبارک رمضان تعطیل می‌کردند این بود که بیشتر به دعا و قرآن و خلاصه به خودشان برسند. امام می‌فرمودند: «خود ماه رمضان کاری است».(آیت‌الله توسلی- حوزه- ش۴۵- ص۵۹).

در ماه رمضان شعر نمی‌خواندند

امام به نقل از نزدیکانشان برای ماه‌های ویژه‌ای چون رمضان برنامه‌ای خاص داشتند، به‌طوری که در این ماه عزیز شعر نمی‌خواندند، شعر نمی‌سرودند و گوش به شعر نمی‌دادند و دگرگونی خاصّی متناسب با این ماه مبارک در زندگی خود ایجاد می‌کردند، به‌گونه‌ای که این ماه را سراسر به تلاوت قرآن مجید، دعا و انجام مستحبات مربوط به ماه رمضان سپری می کردند. (حجت‌الاسلام والمسلمین آشتیانی- پاسدار اسلام- ش ۹۳- ص ۳۱).

معاشقه امام با خدا

رمضان سال قبل از رحلت امام را خوب به یاد دارم. بعضی وقت‌ها هر بار که به دلیلی نزد ایشان می‌رفتم و سعادت پیدا می‌کردم با ایشان نماز بخوانم، وارد اتاقشان که می‌شدم می‌دیدم قیافه ایشان کاملاً برافروخته است و چنان اشک می‌ریختند که دیگر دستمال، کفاف اشکشان را نمی‌داد و کنار دستشان حوله می‌گذاشتند. امام شب‌ها چنین حالتی داشتند و این واقعاً معاشقه ایشان با خدا بود. (برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج۱، ص۱۳۳)

چه کسانی از روزه گرفتن معذورند؟

حجت‌الاسلام وحیدپور

چه عذری مجوز روزه‌خواری است؟

بعضی از افراد هستند که به‌نظرشان می‌رسد عذری برای خوردن روزه دارند؛ این افراد، عذرهای مختلفی را بیان می‌کنند که از نظر شرعی هیچ‌کدام عذر محسوب نمی‌شود.

مثلا برخی از نقاط کشور حالت شرجی دارد و طبیعی است که برای امثال ما که اهل آنجا نیستیم، سخت است و نفسمان می‌گیرد؛ اما شرجی بودن هوا عذر نیست و نمی‌توان به‌خاطر آن روزه‌خواری کرد.

همچنین گرمی هوا عذر نیست و نمی‌توان روزه را خورد؛ تمرینات ورزشی که البته امسال خیلی از این تمرینات تعطیل شده است و سابقا وجود داشته، عذر نیست و

کسی که حتی هر ۱۰ روز هم نمی‌تواند یک روز را روزه بگیرد؛ چون مثلا زخم‌معده دارد و یا مشکل کلیه دارد و... به این شخص، مریض سال گفته می‌شود و قضا ندارد و فقط باید کفاره ۷۵۰ گرم را بپردازد.

برخی هم به‌خاطر امثال امتحانات و کنکور و... روزه‌خواری می‌کردند که هیچ‌کدام از این مباحث عذر نیست و نمی‌توان به‌واسطه آن روزه‌خواری کرد.

اردوهای ورزشی و تمرینات آنان مجوز خوردن روزه نخواهد بود و باید راهکارهای شرعی رعایت شود.

یا مثلا در برخی از مناطق، در ماه مبارک رمضان، فصل شالیکاری است و می‌گویند که امکان گرفتن روزه نیست؛ اما باید گفت روزه‌خواری درست نیست و باید مطابق با راهکارهایی مجوز روزه‌خواری را پیدا کند.

ضعف در روزه‌داری

برخی می‌گویند ما روزه می‌گیریم، ضعف می‌کنیم؛ تکلیف‌مان چیست؟

ضعف کردن دو جور است؛ یک ضعف طبیعی و عادی است که انسان روزه‌دار معمولا ضعف می‌کند؛ چون ۱۵ ساعت چیزی نخورده است و ضعف متعارف است که مجوز خوردن روزه نیست؛ اما اگر ضعف غیرمتعارف داشته باشد و با افطار هم برطرف نمی‌شود، می‌تواند روزه نگیرد.

مثلا اگر نمره چشم او ۴ بوده، در آخر ماه رمضان نمره چشم او ۶ می‌شود که این مسئله، ضعف غیرمتعارف است و مجوزی برای خوردن روزه می‌باشد یا سردرد شدید دارد و با افطار برطرف نمی‌شود که مجوز روزه‌خواری است.

پس اگر ضعف با افطار برطرف می‌شود، مجوز روزه‌خواری نیست؛ اما اگر ضعف شدید باشد و موجب بیماری و عارضه دائمی می‌شود، در چنین موردی می‌تواند مجوز روزه‌خواری شود.

در مواردی که روزه اثر مستقیم بر روی بیماری افراد دارد مثل اینکه شخص الان عینک ندارد؛ اما اگر روزه بگیرد، بیماری او تشدید می‌شود و باید عینک بگیرد (ایجاد بیماری) و یا اینکه الان عینک دارد و روزه سبب بالا رفتن نمره چشم او می‌شود (تشدید بیماری)، می‌تواند روزه نگیرد و بخورد.

قضا و کفاره روزه

درخصوص روزه‌خواری برخی تکلیف دارند به اینکه هم روزه خود را قضا کنند و هم کفاره بدهند و برخی نیز تکلیفی برای قضا و کفاره ندارند و برخی باید فقط قضا کرده و برخی فقط باید کفاره را بپردازند.

این چهار قسم را به تفصیل توضیح خواهیم داد که مربوط به چه کسانی است.

برخی عذر بیماری دارند و بیمار نیز دو مدل است؛ گاهی بیماری فقط برای ماه مبارک رمضان است و ان‌شاءالله بعد از ماه مبارک خوب می‌شوند و بهبود پیدا می‌کنند و وظیفه آنان این است که قضا کنند و کفاره ندارند.

این افراد اگر قضا را تا ماه رمضان بعدی به تأخیر انداختند، هم باید قضا کنند و هم باید کفاره ارزان قیمت (۷۵۰ گرم) بدهند که به آن فدیه می‌گویند و کفاره تأخیر قضا به‌حساب می‌آید؛ اما اگر بین سال قضا کرد، کفاره ندارد.

اگر شخص مریض سال بود؛ یعنی علاوه بر ماه رمضان، در کل سال بیمار بوده است؛ این شخص قضا ندارد و روزه ماه رمضان را هم تکلیف ندارد و فقط کفاره ارزان قیمت (فدیه) را باید بپردازد.

در اینجا یک پرانتزی باز کنیم؛ برخی از افراد تعریف مریض سال را نمی‌دانند و باید بگوییم: ما در نهایت ۳۰ روز روزه در ماه مبارک رمضان داریم؛ مریضی که در ماه مبارک رمضان کل ماه را مریض بوده و در طول سال یعنی ۱۱ ماه بین دو رمضان اگر بتواند ۳۰ روزه را تقسیم کند و مثلا هر ۱۰ روزه بتواند یک روز را روزه بگیرد و در هر ماه سه روز را روزه داشته باشد، او مریض سال نیست؛ یعنی کسی که بتواند در یک ماه سه روز روزه با فاصله بگیرد، این مریض سال حساب نمی‌شود؛ برخی خیال می‌کنند که مریض سال به کسی گفته می‌شود که در طول ماه رمضان مریض بوده و در ۱۱ ماه بعدی هم نمی‌تواند روزه‌ها را یکدفعه بگیرد که تعریف درستی نیست؛ کسی نمی‌گوید یکدفعه بگیرند.

اما کسی که حتی هر ۱۰ روز هم نمی‌تواند یک روز را روزه بگیرد؛ چون مثلا زخم‌معده دارد و یا مشکل کلیه دارد و... به این شخص، مریض سال گفته می‌شود و قضا ندارد و فقط

مسافر اگر تا ماه مبارک رمضان بعدی قضا کرد، کفاره ندارد و اگر قضا نکرد، هم قضا دارد و هم کفاره آن را باید بپردازد.

باید کفاره ۷۵۰ گرم را بپردازد.

مسافر هم جزو کسانی است که در سفر روزه را نگرفته و معذور بوده و بعد از ماه مبارک رمضان باید قضا کند.

مسافر اگر تا ماه مبارک رمضان بعدی قضا کرد، کفاره ندارد و اگر قضا نکرد، هم قضا دارد و هم کفاره آن را باید بپردازد.

خانم‌هایی که در عادت ماهانه قرار دارند و چند روزی را که روزه نمی‌گیرند، همانند مسافر حساب می‌شوند و بعد از ماه مبارک باید قضا کنند.

اگر این افراد تا ماه رمضان بعدی قضا کنند، کفاره ندارد؛ اگر قضا نکردند، هم قضا به‌عهده آنان می‌ماند و هم کفاره تأخیر دارند که تقریبا روزی یک کیلو مواد غذایی باید به فقیر بدهند.

از: حوزه نیوز

ویژگی‌های اخلاقی استاد شهید مرتضی مطهری

شهادت استاد مرتضی مطهری چندین سال است که بهانه گرامیداشت مقام معلم شده است؛ معلمی‌که به شغل انبیا مشغول و انسان‌ساز بوده و از این جهت کرامت وی از اهمیت بسیار برخوردار است. شهید آیت‌الله مرتضی مطهری یکی از شخصیت‌های برجسته و کم‌نظیر در تاریخ اسلام و یکی از دانشمندان اسلام‌شناس و محققان توانا به شمار می‌رود که با تلاش و مجاهدت فراوان توانست در تمامی رشته‌های معارف اسلامی، صاحب‌نظری ژرف‌اندیش و محققی دقیق و در پاره‌ای حوزه‌ها همچون فلسفه، فقه و اصول در قله اجتهاد قرار گیرد.

بی‌شک چنین انسان‌های والا و منششان باید الگوی نسل‌های جوان و جویندگان حق و حقیقت و پاکی باشد و در این‌باره بیان ویژگی‌های ممتاز آنها در الگوسازی بسیار موثر خواهد بود.

در ادامه به ۲۰ ویژگی اخلاقی شاخص استاد شهید مرتضی مطهری می‌پردازیم:

۱- همیشه با وضو بود و به این کار توصیه می‌کرد.

۲- به طبیعت علاقه وافر داشت و گاه ساعت‌ها در نقاط باصفا می‌نشست و تفکر می‌کرد.

۳- نماز شب را همیشه بپا می‌داشت.

۴- در حین بیان مطالب علمی، آنچنان بود که از اطراف غافل می‌شد.

۵- شب‌ها قبل از خواب، حدود بیست دقیقه قرآن می‌خواند.

۶- نسبت به انجام فرائض فرزندان، نظارت دقیق داشت.

۷- به فقرا و مستمندان کمک می‌کرد به‌طوری که برخی موارد آن، بعد از شهادتش آشکار شد.

۸- مطالب قابل توجه را در هر فرصت مناسب و به‌طور منظم یادداشت می‌کرد.

۹- در حاشیه کتاب‌هایی که مطالعه می‌کرد، عنوان یا خلاصه مطالب و یا اشکالات وارده را می‌نوشت.

۱۰- در برخورد با انحرافات فکری، از جوّ حاکم بر اجتماع واهمه‌ای نداشت، جوّ ناسالم را می‌شکست و گاه با دوستان نزدیک خود نیز در بیان حق درمی‌آمیخت.

۱۱- از جوانی علاقه وافری به شهید شدن داشت و به افراد می‌سپرد تا در این مورد برایش دعا کنند.

۱۲- برای پدر و مادر و اساتید خود احترام وصف‌ناپذیری قائل بود.

۱۳- صدای‌گریه بلند او هنگام خواندن روضه سیدالشهدا(ع)، مناجات شبانه و فوت پدر و مادر شنیده و مشاهده می‌شد.

۱۴- بعد از نماز مغرب و عشا، سجده‌های طولانی داشت.

۱۵- از شهرت و مریدپروری گریزان بود.

۱۶- محاسن خود را خضاب می‌کرد.

۱۷- از تظاهر- چه در امور عبادی و چه در امور اجتماعی و سیاسی- به شدت پرهیز داشت.

۱۸- بسیار متین و پُرهیبت بود و در عین حال، در موارد لزوم شوخ‌طبع و نکته‌پرداز بود.

۱۹- عبارت «اُفَوِّضُ اَمری اِلی الله، اِنّ اللهَ بَصیرٌ بالعِباد» را در قنوت و هنگام ذکر گفتن، زیاد قرائت می‌کرد.

۲۰- به دستگیری‌های خداوند ایمان داشت و در شرایطی که دشمنانش کار را بر او سخت می‌کردند صبور و امیدوار به امدادهای الهی بود.

از کتاب: شیخ شهید، انتشارات صدرا، صفحه ۵۶ به نقل از: باشگاه خبرنگاران جوان

چراغ راه

تفاوت کار بد و خوب با توجه به نتیجه آن

قال الامام علی(ع): «سیئه تسؤک خیر عندالله من حسنة تعجبک»

امام علی(ع): گناهی که تو را پشیمان کند بهتر از کار نیکی است که تو را به خودپسندی وا دارد. (۱)

۱- نهج‌البلاغه، حکمت ۴۶

حکایت خوبان

دعای مستجاب چهار گروه

از حضرت علی(ع) روایت شده که پیامبر اکرم(ص) فرمود: «اربعه لا ترد لهم دعوة و یفتح لهم ابواب السماء و یصیر الی العرش» دعای چهار نفر رد نمی‌شود. و درهای آسمان از برای ایشان گشوده شده و دعوت آنها تا به عرش اعلا می‌رسد، (یعنی دیگر حاجبی و مانعی در استجابت دعا نماند) آنها عبارتند از: «دعاء الوالد لولده، و المظلوم علی من ظلمه، و المعتمر حتی یرجع، و الصائم حتی یفطر» دعای پدر در حق فرزند، و نفرین مظلوم بر ظالم، و دعای معتمر (کسی که حج عمره انجام می‌دهد) تا برگردد. و روزه‌دار تا وقت افطار.(۱)

۱- اصول کافی، ج ۳، ص ۶۳۸

پرسش و پاسخ

پرسش و پاسخ در آموزه‌های علوی (٤)

۱- مردگان به ظاهر زنده

* شخصی از امام علی(ع) که در حال ایراد خطبه بودند سؤال کرد: یا امیرالمومنین! نشانه انسان یا مرده متحرک را که در میان زندگان است برای ما بیان فرمایید! حضرت در پاسخ فرمود: آری خداوند پیامبران را نوید دهنده و بیم‌دهنده فرستاد. پس عده‌ای از مردم آنها را تصدیق و عده‌ای تکذیب کردند. تکذیب‌کنندگان با تصدیق‌کنندگان به جنگ برمی‌خیزند و خداوند تصدیق‌کنندگان را پیروز می‌گرداند. پس از مدتی پیامبران چشم از جهان فرو می‌بندند و در میان جانشینان و نسل‌های بعد از آنان افرادی هستند که در برابر زشت‌کاری با دست و زبان و دل اعتراض می‌کنند. (نهی از منکر می‌کنند) اینان همه خصلت‌های خوب را در خود جمع می‌کنند. بعضی دیگر در برابر زشتکاری با زبان و دل اعتراض می‌کنند و با دست خود به آن کاری ندارند که این خود دو خصلت خوب است که این عده به دست می‌آورند و خصلت دیگر را که برتر است از دست داده‌اند. عده‌ای منکر را در دل انکار می‌کنند و با دست و زبان خود کاری به آن ندارند. اینان دو خصلت ارزشمند از این سه خصلت را از دست داده‌اند و یکی را گرفتند. بعضی هم نه با زبان و نه با دست و نه با دل خویش به زشتکاری اعتراض نکردند. اینها مردگانی هستند که در میان زندگان زندگی می‌کنند! (کنزالعمال، حدیث ۴۴۲۱۶)

۲- نابود نشدن بهشت و جهنم

* دیلمی از سلمان فارسی روایت کرده، گفت: «جاثلیق نصرانی» با صد نفر از نصاری حضور امیرالمومنین(ع) رسیدند. جاثلیق از آن حضرت سوال کرد که بر طبق مفاد آیه: «والارض جمیعا قبضته یوم‌القیمه والسموات مطویات بیمینه» روز قیامت زمین در قبضه قدرت او و آسمان‌ها به هم پیچیده به دست او است. (زمر- ۶۷)

آسمان‌ها که به هم پیچیده و زمین در قبضه قدرت او باشد پس بهشت و دوزخ که در آسمان و زمین است کجا می‌رود و چه می‌شود؟ امام علی(ع) در پاسخ کاغذی طلبید و در آن آیات بهشت و دوزخ را نوشته و به هم پیچیدند و به جاثلیق دادند و فرمودند: آیا این کاغذ به هم پیچیده نشده؟ عرض کرد: بلی! حضرت به او فرمود: باز کن. او کاغذ را باز کرد و امام علی(ع) فرمود: آیا آیات بهشت و جهنم بر اثر پیچیده شدن کاغذ به هم محو و نابود شد یا به حال اولی باقی است؟ عرض کرد: نابود نشده و باقی است. حضرت فرمود: قدرت پروردگار نیز چنین است. آسمان‌ها را که به هم بپیچید و زمین را در قبضه خود قرار دهد، بهشت و دوزخ از بین نخواهد رفت چنانچه بر اثر پیچیدن این کاغذ آیات بهشت و دوزخ از بین نرفت و محو و نابود نگردید. (تفسیر جامع، ج۶، ص۹۶)

۳- معنای استرجاع

* امام علی(ع) به «اشعث ابن قیس کندی» در مرگ برادرش تسلیت گفت: اشعث استرجاع کرد (یعنی گفت: انا لله و انا الیه راجعون) (بقره- ۱۵۶) امام علی(ع) فرمود: آیا می‌دانی معنای آن چیست؟ عرض کرد: خیر شما اوج و منتهای دانش هستید. آنگاه حضرت فرمود: اینکه می‌گویی: ما از خدائیم «انا لله» اقرار تو است به مالکیت و پادشاهی خدا و اینکه می‌گویی: « انا الیه راجعون» ما به سوی او باز می‌گردیم، اقرار تو است به فانی شدنت (تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص۱۴۴)

۴- حسنه بزرگ

* روزی «ابو عبدالله جدلی» به حضور امیرالمومنین علی(ع) رسید، بحث آن جمع پیرامون این آیه شریفه بود «من جاء بالحسنة فله خیر منها و هم من قرع یومئذا منون» آنان که کار خوب به قیامت بیاورند، بهتر از آن نصیبشان می‌شود، و از وحشت روز قیامت در امان هستند(نمل-۸۹)

حضرت علی(ع) به عبدالله فرمود: آیا می‌خواهی معنای آیه را برایت بگویم: او عرض کرد. بلی. آنگاه حضرت فرمود: منظور از حسنه معرفت و ولایت دوستی ما است و مراد و غرض از سیئه انکار ولایت و بغض و دشمنی ما اهل بیت می‌باشد(تفسیر جامع ج ۵،ص ۱۴۰)

ادامه دارد

سلوک عارفانه

لزوم اصلاح خود و آمادگی برای پاسخگویی

(بدان ای سالک راه خدا!) بدانید که شما همگی بندگان خدائید و ما هم با شما (و به همراه شمائیم) که آقا و بزرگی حاکم فردای قیامت بر ما و شما حکومت کند، و او است بازدارنده و پرسش‌کننده از شما. پس آماده کنید پاسخ (خود) را پیش از بازداشت و پرسش و ورود بر پروردگار جهانیان که در آن روز هیچ‌کس سخن نگوید جز به اذن او، و بدانید که خدا در آن روز دروغگویی را تصدیق نکند و راستگویی را تکذیب نکند و عذر بجایی را رد نکند، کسی که (واقعا) عذری ندارد معذورش نسازد. او بر آفریدگان خود به وسیله پیامبران و اوصیای پس از پیامبران حجت دارد. پس ای بندگان خدا! از خدا بترسید و به اصلاح خود و به فرمانبرداری کسی که خدا را در اطاعت او دوست دارید رو آورید.(۱)

۱- شرح حدیث مقام رهبری در ابتدای درس خارج، به نقل از کافی، مورخ ۹۲/۲/۱۵

صفحه معارف روزهای: شنبه، یک‌شنبه سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱
Maarefkayhan@Kayhan.ir